



## بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی - 8 / خرداد / 1384

بسم الله الرحمن الرحيم

خدا را سپاسگزاریم بر نعمت حضور و فعالیت ارزشمند نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی، و خرسند و خوشحالیم از این که بحمدالله يك بار دیگر در خدمت شما برادران و خواهران عزیز هستیم و مجالی است برای گفت و شنود و ضمناً تشکر از زحمات و تلاشها و اقدامات شما.

آنچه جناب آقای دکتر حداد عادل - ریاست محترم مجلس - از عملکرد و پیشرفت کار در مجلس و نقاط مثبت و کاری بیان کردند، مورد تصدیق ماست و در مواردی حقیقتاً باید به شما نمایندگان مردم در زمینه ی بعضی از قوانین و طرحهایی که تصویب کرده اید، دست مریزاد گفت. اگر ما و شما در جهتگیری کلی کارهایی که در زندگی انجام می دهیم - و از جمله، کارهای دوران مسؤولیت - خط رعایت تقوا و احساس وظیفه و مسؤولیت را پیش بگیریم، خدای متعال هم توفیقات خودش را ارزانی خواهد داشت؛ «یا ایها الذین امنوا اتقواالله و قولوا قولاً سدیداً یصلح لکم اعمالکم و یغفر لکم ذنوبکم». اگر تقوا به میان بیاید، خدای متعال هم اعمال را اصلاح و ما را هدایت می کند؛ «انّ علینا للهدی»؛ خدای متعال هدایت را بر عهده ی خودش دانسته. اگر ما در خط تقوا، رعایت امر و نهی الهی و مواظبت از رفتار خود حرکت کنیم، بدون شک خدای متعال ما را هدایت و کمبودهای کار ما را جبران خواهد کرد - «یغفر لکم ذنوبکم» - و اگر در جاهایی نادانسته خطا و اشتباهی از ما سر بزند، آنها را مورد مغفرت قرار خواهد داد و آبروی ما را حفظ خواهد کرد. بنابراین تقوا ملاک است؛ یعنی غیر از ملاک ارزشی که چه کسی پیش خدا بالاتر است - و آن تقواست - برای خود ما هم که بفهمیم چه کار بکنیم، چه کار نکنیم؛ کدام کار خوب است، کدام کار منتج است و کدام کار نیست؛ معیار، تقواست. اگر تقوا را رعایت کردیم، حرف و عمل ما هم با هدایت و کمک الهی در مسیر درست قرار خواهد گرفت. پس، اول و آخر همه ی حرفهای ما تقواست.

من قبلاً شاید خدمت شما برادران و خواهران عزیز عرض کرده ام - اگر هم نگفته ام، الان عرض می کنم - این چهار سال که يك سالش هم گذشت، مثل برق می گذرد. آنچه شما باید از این چهار سال بهره ببرید، پولی نیست که به دست می آید، یا احترام و شعاری که به نفع شما داده می شود، یا سرشناس شدن و به دست آمدن جاه و معروفیت، یا نام چنین و چنان. آنچه از این چهار سال در درجه ی اول باید مورد توجه و همت ما باشد، این است که وقتی در پیشگاه خدای متعال حاضر شدیم - که خیلی هم زود خواهد بود؛ یعنی اگر شما صد سال هم عمر کنید، خیلی زود خواهد گذشت. واقعاً وقتی انسان گذر عمر را نگاه می کند، می بیند خیلی سریع گذشته؛ ما غافلیم که خیال می کنیم طول می کشد؛ نه، به سرعت برق می گذرد - ذخیره ای را در دستمان خواهیم داشت و آن، چهار سال خدمت و کار است.

خداوند در آیات آخر سوره ی مبارکه ی حشر می فرماید: «یا ایها الذین امنوا اتقواالله ولتنظر نفس ما قدّمت لغد»؛ تقوا پیشه کنید - یعنی مراقب خودتان باشید - و حواستان باشد که لغزش و اشتباه و انحرافی پیش نیاید؛ و نتیجه ی این مواظبت - «ولتنظر نفس ما قدّمت لغد» - باید این باشد که ببینیم برای فردا چه فراهم کرده و از پیش فرستاده ایم. بعد بلافاصله می فرماید: «واتقواالله انّ الله خبیر بما تعملون»؛ خدای متعال بینا و داناست. ما باید مراقب خود و بینای کار خود باشیم و حواسمان باشد؛ به نظر من، این خط و جهت اصلی است. اگر این رعایت شد و اهتمام به این گماشته شد، هم طرحهای خوب در مجلس مطرح خواهد شد؛ هم لوایح بموقع تصویب خواهد شد؛ هم وظیفه ی نظارتی، خوب انجام خواهد شد؛ هم ملاحظه ی حال مردم خواهد شد؛ هم ملاحظه ی توسعه ی کشور خواهد شد؛ هم ملاحظه ی عدالت خواهد شد؛ يك مقدارش را خود ما می فهمیم، يك مقدارش را هم خدا به ما کمک می کند و ما را هدایت و دستگیری می کند. اگر این قدم از اول در این جهت برداشته نشد، همه نوع



احتمالی وجود دارد و واقعاً انسان نمی تواند مطمئن باشد که چه خواهد کرد و چگونه خواهد شد. بنابراین عرض اصلی من این است که مراقب باشید این چهار سال می گذرد.

بنده گاهی به آقایان وزرا و مسؤولان گوناگون دستگاه های مختلف این نکته را عرض می کنم؛ به شما هم عرض می کنم: این چهار سال مسؤولیت را از دورانی که بناست برای آینده ی مادی زندگی تان منشأ سودی باشد، خارج کنید. ممکن است انسان شصت سال، هفتاد سال، هشتاد سال عمر کند؛ در طول عمرش هم برای آینده ی خود فکر و تمهید و مقدمه سازی داشته باشد - فلان چیز را بخیریم، فلان چیز را نگه داریم - ولی این چند سالی که وزیر هستیم، از دوره یی که باید به فکر آینده ی خود باشیم، خارج کنیم. وکالت مجلس هم همین طور است؛ این چند سال را از آن دوره خارج کنید. خیال خودتان را راحت کنید؛ نخواهید پایه ی زندگی آینده ی مادی را در این چند سال بچینید؛ نه، این چند سال را وقف کنید؛ خدای متعال به شما عوض خواهد داد.

یک وقت در دوره ی جوانی بنده قضیه ای پیش آمد و من در میان دوراهی مهمی در زندگی شخصی قرار گرفتم. برای مشورت، به شخصی مراجعه کردم و گفتم اگر من بخواهم این کار را بکنم، در واقع روگرداندن از دنیا و آخرت است - یعنی اگر دنیا هم بخواهم، آن طرف است؛ آخرت هم بخواهم، آن طرف است - آن شخص تأملی کرد و به من گفت: شما بیا برای خدا این عمل دیگر را انجام بده؛ خدا دنیا و آخرت تو را از آن جا برمی دارد و به این جا می آورد. این حرف تا اعماق دل من اثر کرد؛ لذا به آن عمل کردم.

شما برای خدا این چهار سال را وقف کنید - مثل این که انسان مالی را، زمینی را، خانه یی را وقف می کند - و بگویید برای زندگی و آینده ی خودمان نمی خواهیم از این چهار سال و از این موقعیت استفاده کنیم؛ خدای متعال هم متقابلاً چشم شما را روشن می کند؛ هر طور که به مصلحت شما باشد. خدای متعال کریم و اکرم از شماست - اکرم الاکرمین است - شما چیزی را در راه خدا دادید، محال است که او در مقابلش چیزی به شما ندهد.

یک جمله راجع به مجلس عرض کنیم، یک جمله هم راجع به مسائل سیاسی کلی کشور. راجع به مجلس، آن چیزی که تکیه ی اصلی من روی آن است، این است که این مسؤولیت را قدرشناسی کنید؛ یعنی تقویم و برآورد درستی از این مسؤولیت داشته باشید. البته شما آقایان و خانم ها این برآورد را دارید؛ ما تذکرأ عرض می کنیم. مسؤولیت شما خیلی سنگین است. شما می خواهید قانون به وجود بیاورید. قانون، نرم افزار اداره ی کشور است؛ دستگاه های اجرایی در حکم سخت افزارها هستند. اگر شما بتوانید این نرم افزار را هوشمندانه، صحیح، جامع، مؤثر در ابعاد گوناگون زندگی و پُرکننده ی خلأها فراهم کنید، سخت افزارها کار خودشان را درست انجام خواهند داد. البته سخت افزار هم گاهی اوقات تعمیر می خواهد، گاهی اوقات روغنکاری می خواهد، گاهی اوقات دورانداختن می خواهد؛ لیکن یک سخت افزار خوب هم با یک نرم افزار ناقص و غلط هیچ محصولی نخواهد داشت. شما در واقع در این جا دارید نرم افزار مدیریت کشور یا بخش عمده یی از آن را فراهم می کنید. البته وظیفه ی نظارت و دیگر وظایف مجلس شورای اسلامی هم در جای خود محفوظ است.

شما برادران و خواهرانی که بحمدالله در مجلس شعار حفظ مبانی انقلاب و جلوه بخشیدن به سخنان امام را مطرح کرده اید، مسؤولیت مضاعفی دارید؛ چون مردم حقیقتاً به میدان آمده اند و با گزینش خود، راه کشور را مشخص کرده اند. مدعیان این طور القاء می کردند که راه امام و خط امام و انقلاب و اسلام و عدالت اجتماعی تمام شد؛ روزگار و فصل دیگری آمد و کارهای دیگری باید کرد. مردم آمدند راه را تصحیح کردند؛ مثل سوزنبان ماهری که می آید خط را مشخص می کند تا معلوم باشد مسیر از این جاست. شما با این توجه، با این توقع و در واقع با این ادعا وارد مجلس شده اید؛ این مسؤولیت خیلی سنگینی است. انتظار مردم این است که شما این مسؤولیت را فراموش نکنید. چیزهایی هست که انسان گاهی هم دوست می دارد، می خواهد دنبال کند و رگ گردنش را هم پُر می کند؛ اما در مقابل این مسؤولیت چیزی نیست؛ بنابراین باید براحتی آن را کنار گذاشت. برخی احساسات شخصی، برخی



توقعات و خواهش های شخصی، و بعضی مسائل گروهی را باید به خاطر آن مسؤولیت زیر پا گذاشت. سعی شود قوانینی که در مجلس می گذرد، مستحکم و باثبات باشد. بحمدالله سیاست های اصل 44 با ملاحظه ی جوانب و رعایت آن مبانی و اصول، به سه قوه ابلاغ شد؛ این احتیاج دارد به قوانین. شما، هم در کمیسیون های اختصاصی و هم بخصوص در مرکز پژوهش ها حقیقتاً می توانید بر این پایه، طراح نظام اقتصادی باثباتی باشید که قوانین خودش را هم با خود داشته باشد؛ بعضی از قوانین حذف شود و بعضی از قوانین بیاید؛ منتها با یک ساخت مستحکم و پایدار که هر روز نخواهیم قوانین را وصله پینه کنیم. یکی از اشکالات بزرگ این است که قوانین طوری با بی دقتی یا عدم مراجعه ی لازم به مواردی که باید مراجعه کرد، تنظیم شود که اندکی نگذشته، احتیاج به تجدیدنظر پیدا کند و یک مقدار وقت مجلس به تصویب مجدد قانون بگذرد. گفت:

یک روز صرف بستن دل شد به این و آن روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت  
یک روز قانون را درست کنیم، یک روز قانون را رد کنیم و یا تغییر کلی بدهیم؛ این طوری نباشد؛ قوانین با ثبات و مستحکم باشد. به نظر من چیزی که در مجلس مهم است، حضور نمایندگان محترم سر پُست هاست. برخی از نمایندگان محترم به من گفتند تعطیلات مجلس زیاد است؛ درباره ی این مسأله من نمی توانم اظهارنظری بکنم؛ این را هیأت رئیسه ی محترم باید بررسی کنند؛ لیکن در همان بخشی که غیر تعطیل و وقت کار است، حضور باید منضبط، سر وقت و با رعایت دقیقه و ثانیه باشد؛ هم در داخل صحن مجلس و هم در کمیسیون ها. کار کمیسیون های تخصصی هم خیلی مهم است. حضور در کمیسیون ها، سر وقت در کمیسیون ها حاضر شدن، کار کردن، واقعاً مطالعه کردن، پیش مطالعه کردن، لوایح را دیدن، طرح ها را سنجیدن، با افرادی که لازم است مشورت شود، مشورت کردن، حتی مباحثه کردن در داخل مجلس قبل از این که انسان به مرحله ی تصمیم گیری برسد - چه در کمیسیون و چه در صحن مجلس - لازم است.

وقت گذاشتن برای مجلس، خیلی مهم است. همین جا راجع به سفرها نکته ای عرض کنم. البته من گزارش خیلی درستی از مسأله ندارم؛ لیکن باید جهتگیری را کاهش سفرهای خارجی قرار داد. البته سفرهای داخلی، آن جایی که بخصوص مربوط به حوزه ی انتخابیه است، مقوله ی دیگری است؛ اما رغبت زیاد به مسافرت، مطلوب و پسندیده نیست؛ مواظب باشید مجلس در چنین دامهایی گرفتار نشود؛ برای شما مشکلات درست خواهد کرد. موضعگیری هایی هم که مجلس درباره ی سیاست خارجی و مسأله ی انرژی هسته یی و امثال اینها کرد، بسیار بجا و بموقع و مؤثر و خوب بود؛ چون مجلس نماد آراء مردم است. مصوباتی هم که اشاره کردند، خوب بود. سال گذشته هم در چنین جلسه ای عرض کردم که ارتباط با دستگاه های اجرایی باید منطقی و قانونی و انسانی باشد. نه بایستی اخم و قهر کرد و بنا را بر پرخاشگری و بهانه گیری و اذیت کردن گذاشت، و نه بایستی از آن طرف دچار رودربایستی و رفیق بازی و بده بستن شد؛ باید کاملاً مراقبت کرد که خط وسط و صراط مستقیم جستجو شود و طبق آن عمل گردد؛ در این صورت کارها درست خواهد شد.

بسترهای ارتباط آلوده با دستگاه های اجرایی همیشه وجود دارد و مسؤولان بالای اجرایی هم از آن باخبر نمی شوند. در این میان، دستهایی به دنبال این هستند که ارتباطهای ناسالمی را به وجود بیاورند؛ باید خیلی مراقب باشید. هم هیأت رئیسه ی محترم مجلس و رؤسای کمیسیون ها، و هم خود شما نمایندگان باید به این رهنمود الهی عمل کنید؛ «وتواصوا بالحق و تواصوا بالصبر». واقعاً نمایندگان باید یکدیگر را نصیحت و حفظ کنند. گفتن و توصیه کردن، بسیار مهم است.

مرکز پژوهش های مجلس هم جای مهمی است؛ باید از نخبگان و فکر و نظر آنها در این جا حداکثر استفاده بشود. امیدواریم ان شاءالله با رعایت اخلاق و نظم و انضباط، همه ی کارها به بهترین وجه پیش برود و آینده بهتر از گذشته باشد؛ «وللاخرة خیر لك من الأولى».



راجع به مسائل سیاسی کلی کشور هم چند جمله عرض کنم. شماها بحمدالله عناصر سیاسی هستید و مراقبید. با انسجام و اتحاد کلمه و همدلی، کشور در سیاست خارجی و مسائل جهانی عزت و هیبت پیدا می کند؛ و در اجرای مقررات و سیاست های لازم در داخل، قدرت می یابد. بنابراین انسجام و وحدت و همدلی و همفکری، بسیار مهم است. مطمئناً همچنان که شما به عنوان مسؤولان کشور و نظام موظفید مهندسی کلی کشور را دائماً در نظر داشته باشید - چون بدون یک مهندسی کلان نمی شود جزئیات را ترتیب داد؛ شما باید اول طرح را در نظر داشته باشید، نقشه را بدانید و مهندسی صحیح کرده باشید تا بتوانید این دیوار را این جا بالا ببرید، آن خشت را آن جا بگذارید، آن گودال را آن جا بکنید - دشمن شما هم به کشور و نظام شما عیناً یک نگاه کلان و یک مهندسی کلی دارد. این مهندسی هم اجزایی دارد. بلاشک اعتماد و دلگرمی دشمن به کمک عناصر داخلی است. هیچ کشوری هم نیست - از جمله کشور ما - که در داخل، عناصری که دلشان با نظام حاکم نیست، وجود نداشته باشند؛ همه جا هستند؛ در کشور ما هم هستند؛ از اول انقلاب هم بوده اند؛ کم و زیاد و پیدا و پنهان و جوراجور دارد؛ لیکن اصلش همیشه بوده، بعد از این هم خواهد بود. عده ای با نظام ما خوب نیستند. چشم امید دشمن به کسانی است که در داخل هستند؛ منتها برای یارگیری و سربازگیری، دشمن روش های گوناگونی دارد. این طور نیست که همه ی کسانی که به دشمن کمک می کنند، کسانی باشند که دشمن را شناخته اند و نقشه ی کلی و مهندسی کلان او را نسبت به نظام دانسته اند و عالماً و عامداً به او کمک می کنند؛ نه، عده ای هم هستند که اگر به آنها گفته شود شما دارید به دشمن کمک می کنید، حاضرند یقه ی خودشان و شما را بگیرند و پاره کنند و بگویند این حرفها چیست! اینها واقعاً هم با دشمن مخالف و بدند. اگر شما مهندسی کلی و کلان نظام را در نظر داشته باشید، از این پرهیز خواهد شد. هر کس متوجه و مراقب خود و رفتارش باشد، از این که نادانسته و ناخواسته کمک دشمن باشد، پرهیز خواهد کرد. وقتی حروف کلمه یا جمله ای در جدول گذاشته می شود، باید عبارتی درست شود. بعضی ها نمی دانند حرفی که دارند در این خانه می گذارند، مکمل آن عبارت است. تمهیداتی فراهم می شود و اینها می آیند این حرف را در این خانه می گذارند - «و هم محسبون انهم یحسنون صنعا» - دلیل و استدلالی هم برایش درست می کنند؛ اما توجه ندارند که این حرف، آن کلمه یا جمله ی پانزده حرفی جدول را یک قدم به تحقق نزدیک کرد؛ درست مثل یک پازل که جاهای معین است و معلوم است که چه قطعه ای کجا باید گذاشته شود. نادانسته از من نوعی می خواهند که این قطعه را این جا بگذارم؛ من هم فکر می کنم اشکالی ندارد؛ غافل از این که وقتی این جزء با آن نود جزء دیگر همراه شد، آن شکل، ظاهر می شود و من کمک کننده ی به تشکیل آن بوده ام! بعضی این طوری عمل می کنند. مثلاً اگر دشمن بخواهد برای تحقق آرزوی بزرگ خود - که ریشه کنی جمهوری اسلامی و پایین آوردن پرچم اسلام از قله ی این کشور است - طراحی کند، طبیعتاً طراحی، اجزا و مقدماتی دارد. ایجاد اختلاف، ایجاد بی ایمانی، ایجاد مشکلات برای مردم، عمیق کردن فاصله ی طبقاتی، ترویج فساد، بدبین کردن مردم به مسؤولان، و دستگاه های ضابط و انضباط بخش را از حیثیت انداختن - مثل از حیثیت انداختن قوه ی قضاییه، از حیثیت انداختن شورای نگهبان، از حیثیت انداختن مجلس، از حیثیت انداختن دستگاه های گوناگون - همه جزو اجزاء اینهاست. بعضی ها به این بخش کمک می کنند، بدون این که به ارتباط این بخش با دیگران توجه کنند؛ این بر اثر عدم بصیرت است. ما بارها عرض کرده ایم که امیرالمؤمنین در جنگ صفین - شاید این جمله را درباره ی عمار هم فرموده باشد - مکرر این جمله را می فرمود: «و لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر والصبر». چه عبارت زیبایی هم هست؛ حروف بصر و صبر یکی است، ترکیبش دوتاست؛ و چه زیبا! فقط اهل بصیرت و پایداری می توانند این پرچم را بردارند. بصیرت را باید در خودمان تقویت کنیم. اگر این معنا حاصل شود و شما به عنوان نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی - که جایگاه و موقعیت مهمی در روشنگری مردم نسبت به نقشه های دشمن دارید - اثرگذاری کنید، بسیاری از این خلأها و تاریکی ها و غبارها برطرف خواهد شد. یک مسأله ی عملی اش هم این است که داخل مجلس و سر قضایای



سیاسی - و الان هم انتخابات ریاست جمهوری - اختلاف و تشنج و دعوا و درگیری پیش نیاید؛ یک عده طرفدار یک نفر، یک عده هم طرفدار یک نفر دیگر. طرفداری، حق هر کسی است؛ منتها نباید تخریب و اهانت و تحریک کرد. گاهی اوقات انسان به نحوی از محبوب و مطلوب خود دفاع می کند که تحریک کننده ی دیگران است؛ دیگران را وادار به تخریب و عکس العمل می کند. اینها چیزهای مهمی است و باید رعایت کرد. البته از افرادی که در سطوح دیگری هستند و این همه مسؤولیت بر دوش آنها نیست، نمی شود خیلی توقع داشت؛ اما از مسؤولان چرا. به هر حال حفظ فضای وحدت، حفظ فضای محبت، حفظ فضای همکاری و همدلی در مجلس، جزو اولویت های قطعی مجلس است. خوشبختانه مجلس شما منشأ تشنج در جامعه نیست؛ این نعمت خیلی بزرگی است. واقعاً یکی از جاهایی که باید به شماها دست مریزاد گفت، همین جاست. در بعضی از دوره ها این طور بود که وقتی انسان رادیوی مجلس را باز می کرد، کأنه از این بلندگو دارد دعوا بیرون می ریزد! دعوا و تشنج و جنگ اعصاب همین طور سرریز می شد و درون جامعه می ریخت. مجلس شما بحمدالله این طوری نیست؛ و در هیچ شرایطی به خودتان اجازه ندهید این طور بشود. کسی دارد حرفی می زند، اما طبق نظر شما نیست؛ خیلی خوب، گوش کنید تا حرفش تمام شود؛ بعد اگر اقتضاء داشت که این حرف پاسخ داده شود، شما هم در یک فرصت قانونی و به شکل درستی به او پاسخ دهید. حرف توی حرف، جنجال و های و هوی، کار مناسبی نیست. متأسفانه بعضی ها این رسم را در مجلس گذاشتند؛ شما این رسم را بردارید و ریشه کن کنید. شما عملاً باید خونسردی را در مقابل حرفهای تحریک آمیزی که احیاناً ممکن است به گوشتان برسد، حفظ کنید. فضای متانت و وقار مجلس را که بحمدالله تا امروز حفظ شده است، حفظ کنید و افزایش دهید و نگذارید خدشه دار شود.

به هر حال باید از خدای متعال کمک خواست. باید از خدای متعال هدایت و کمک و دستگیری بخواهید؛ ما هم دعاگوی برادران و خواهران عزیز هستیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته